

تسلط بر دریاها قدرت حاکم در روابط بین الملل است



سید محمد کاظم سجادی پور
تحلیلگر مسائل بین الملل

در اول ماه مه ۲۰۲۴ برابر با دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، چین اعلام کرد که سومین ناو هواپیمابر این کشور به نام فوجیان، آماده شده و اولین آزمایش‌های دریانوردی خود را آغاز کرده است. این خبر سده‌ای برای کارشناسان و دست‌اندرکاران روابط بین‌المللی نبود. این خبر، علامتی دیگری از تبدیل دریاها و اقیانوس‌ها، به کانونی ژئوپولیتسیستی‌ها، قدرت بری و مبتنی بر توان نظامی در خشکی بوده و به‌رغم داشتن سواحل طولانی در اقیانوس آرام، قدرت‌های عمده‌ای در مقایسه با سایر قدرت‌های بزرگ محسوب نمی‌شده، اما خیزش جهانی چین در عصر حاضر پیوسته دریایی و اقیانوسی داشته و این پیوست، پیچیده و چندلایه است اما فراتر از به آب انداختن سومین ناو هواپیمابر چین، آنچه جلب توجه می‌کند، حساسیت یافتن بیشتر دریاها و اقیانوس‌ها در کنش و واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. از قطب شمال تا اقیانوس هند و اقیانوس آرام، شاهد حساسیت یافتن تنش‌های دریایی هستیم، تسلط انصارا... یمن بر بخشی از دریای سرخ، پیامدهای قابل توجهی بر منازعات غرب آسیا گذاشته و در آن سوی آسیا، دریای جنوبی چین تبدیل به کانون تنش‌های عمده دریایی بین چین و متحدان آمریکا که همسایگان چین هستند، شده است. با توجه به این زمینه نسبت کنش‌ها و تنش‌های دریایی و وضعیت کنونی مناسبات بین‌المللی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ در پاسخ باید سه پدیده «تداوم در رقابت‌های دریایی»، «افزایش کنشگران دریایی» و «گسترش پرونده‌های دریایی» در روابط بین‌المللی را مورد مذاقه قرار داد. دریا و قدرت، از پیوستگی و درهم تنیدگی ریشه‌دار در تاریخ بشری برخوردارند. به عبارت دیگر قدرت حاکم در روابط بین‌المللی، قدرتی بوده که در کنار سایر عوامل و ابزار قدرت، از تسلط بر دریاها برخوردار بوده است. مخصوصاً از زمانی که دانش و تکنولوژی، من جمله صنعت دریانوردی را دگرگون ساخت، تسلط بر دریاها، تعیین‌کننده جایگاه قدرت‌های جهانی بوده است. در پنج قرن گذشته، حتی جابه‌جایی قدرت‌های بزرگ، به منازعه و تنش شدید آنها گره خورده بوده و دست به‌دست شدن قدرت، بی‌تردید پیوست دریایی قابل ملاحظه‌ای داشته است. تاریخ امپراتوری‌های ۵۰۰ سال گذشته یعنی پرتقال، اسپانیا، هلند، فرانسه و انگلیس، عمده‌تاریخ رقابت‌های دریایی است و البته روسیه و آلمان نتوانستند، تبدیل به قدرت‌های تراز اول دریایی جهان شوند و لذا بخشی از چالش‌های آنها در رقابت‌ها و تنش‌ها با سایر قدرت‌های غربی، ریشه‌کاستی، کسری و ضعف دریایی داشت. تسلط جهانی انگلیس، در قرن نوزدهم مرون قدرت دریایی آن بازیگر بود. جنگ جهانی دوم، آمریکا را جانشین دریایی بریتانیا کرد و در جهان دوقطبی دوران جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، تلاش برای دستیابی به پایگاه‌های دریایی بیشتر، جزء لاینجزایی رقابت و اشتکن و مسکو بود. شوروی توانست در عراق، پایتگاه‌های اقصا را در اختیار گیرد و آمریکا با توجعی از کنش و واکنش‌های دریایی، حلقه مهار نظامی شوروی را تنگ‌تر می‌کرد. تشکیل نیروهای واکنش سریع در خلیج فارس در دوران کارتر در این راستا قابل ذکر است. اما آنچه جالب و شگفت‌انگیز است، در سه دهه‌ای که از پایان جنگ سرد می‌گذرد، افزایش کنشگران دریایی است. به عبارت دیگر اهمیت دریاها و اقیانوس‌ها در روابط بین‌المللی تداوم یافته و به‌طور همزمان، کنشگری دریایی از انحصار ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ خارج شده است. قدرت‌های نوظهور، بی‌تردید بر روابط بین‌المللی اثرگذاری جدی دارند، اما جالب آنکه همه آنها، به‌نحو، کنشگران دریایی نیز هستند. چین و هند برجسته‌ترین قدرت‌های نوظهورند که قدرت‌گیری منطقه‌ای و جهانی آنها همراه با افزایش حضور دریایی و کنش اقیانوسی است. فراتر، از قدرت‌های منطقه‌ای در قاره‌های مختلف جهان، از ترکیه گرفته تا اندونزی و از برزیل گرفته تا ایران، به افزایش توان دریایی خود حساس بوده و دریا و اقیانوس را نامدای از قدرت خود می‌دانند. در کنار افزایش حضور دریایی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در حال ظهور، باید گفت که نقش دریاها در همه ابعاد زندگی بشری از حمل و نقل گرفته تا محیط زیست، بیش از گذشته شده است. به یک تعبیر پرونده‌های دریایی در کنش و واکنش‌های بین‌المللی، متعدد و همه‌جانبه شده‌اند و البته مهم‌ترین آنها پرونده‌های استراتژیک و نظامی است و در بین آنها، پرونده آنچه که «هند و اقیانوس آرام» یا اینه‌دو پاسفیک نامیده می‌شود، حساس‌تر و پرتنش‌تر است. واژه ایندو پاسفیک را، شیرزویه، نخست‌وزیر پیشین ژاپن در ۲۰۱۹ به کار برد و همکاری کنشگران دریایی در دو اقیانوس بهم پیوسته جهانی، یعنی اقیانوس آرام و اقیانوس هند را به پیش کشید که البته متمرکز بر مهار چین با استفاده از توان هند بود. از آن تاریخ به بعد، ایندو پاسفیک، تبدیل به گفتمانی استراتژیک برای اتحاد نیروهای طرفدار واکنشگن شده است. استراتژیست‌های روسی، مفهوم را مصنوعی و بر ساخته می‌دانند، اما در عمل، طراحی‌های آمریکا، در مهار چین، عنصر دریایی و اقیانوسی به هم پیوستگی اقیانوس هند و اقیانوس آرام را برجسته کرده است و در این فضا است که به آب انداختن سومین ناو هواپیمابر چین معنا پیدا می‌کند. البته باید در نظر داشت تعداد دریاها و دریای اقیانوسی را نمی‌توان در هند و پاسفیک خلاصه کرد؛ پرونده‌های دیگری که در برگیرنده ابعاد تهدیدات غیرسنستی امنیت است، در عرصه دریایی جدی و درخور توجه‌اند. هرچه هست، کنش و واکنش‌های دریایی در روابط بین‌المللی پررمانه و پررمزومند است و سیاست بین‌المللی را نمی‌توان بدون عنصر دریایی و اقیانوسی فهم کرد یا مدیریت کرد.

پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

دولت رئیسی

گامی فراتر از دولت‌های دیگر

در سیاست خارجی

برنداشته است

رئییسی در سیاست خارجی گامی به جلو برداشته است



آرمان‌ملی- احسان انصاری: نزدیک به سه سال از دولت ابراهیم رئیسی می‌گذرد. این در حالی است که رئیسی و حامیان او در طول دولت حسن روحانی انتقادات زیاد نسبت به سیاست خارجی وی وارد می‌کردند. انتقاداتی که پس از اینکه روی کار آمدند کاهش پیدا کرد، اما همچنان حسن روحانی را مقصر اصلی مشکلات فعلی می‌دانستند. با این وجود یکی از حوزه‌هایی که دولت حسن روحانی در آن قدرتمند ظاهر شد، سیاست خارجی بود. جایی که برجام به نتیجه رسید و وزیر خارجه ایران یعنی محمد جواد ظریف به یک چهره بین‌المللی تبدیل شد. در شرایط کنونی این سوال مطرح است که دست‌آوردهای دولت رئیسی در زمینه سیاست خارجی چه بوده و امیرعبداله‌هیان به چه میزان موفق شده که تراز سیاست خارجی ایران در عرصه بین‌المللی را ارتقا بدهد؟ «آرمان‌ملی» برای تحلیل و بررسی سه سال سیاست خارجی دولت ابراهیم رئیسی با دکتر پیروز مجتهدزاده گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

گروهی در این کشور روی کار آمده که کمک ما بوده اما برخی فریعات نادرست یکی از اصول اولیه آنهاست ما باید مسائل ایدئولوژیک را کنار بگذاریم و براساس واقعیت‌ها با این مسأله برخورد کنیم. در شرایط کنونی طالبان را رویکرد صحیح با موضوع حقیابه برخورد نمی‌کند که بخواد در موضوع حقیابه به حق ایران وفادار باشد. جمهوری اسلامی براساس رویکردهایی که اکنون زمان شرح آن نیست، با موضوع برخورد می‌کند. مشکل اصلی این است که برخی نهادها که در سیاست خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، به روش خودشان رفتار می‌کنند و تفاوتی نیز ندارد که دولتی که سر کار قرار دارد اصلاح طلب باشد یا اصولگرا. رویکرد ایران بخش در عرصه بین‌المللی تعریف نشده و با واقعیت‌های بین‌المللی همخوانی ندارد و به همین دلیل به نتیجه نمی‌رسد.

حسن روحانی تلاش کرد از رویکردی که در زمینه سیاست خارجی به آن اشاره کردید، فاصله بگیرد. با این وجود با چالش‌ها و فشارهای داخلی مواجه شد. آیا در همان زمان نباید تغییر جدی تری در عرصه سیاست خارجی صورت می‌گرفت؟

باید توجه کرد شعارهایی که روحانی یا هاشمی و خاتمی در زمینه سیاست خارجی دادند، در نهایت چه سرنجامی پیدا کردند. دلیل اینکه این شعارها به نتیجه نرسید این بود که دولت‌ها به‌طور کامل در سیاست خارجی نقش نداشته‌اند و برخی دیگر هم در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کردند. رویکرد این نهادها نیز چنین شعارهایی وجود نداشت و به همین دلیل به نتیجه نرسید. اینکه دولت‌ها چه شعاری می‌دهند مهم نیست بلکه اینکه در عمل چه اتفاقی رخ می‌دهد، حائز اهمیت است. امروز اگر آقای رئیسی بگوید که ایران در جنگ اوکراین نقش می‌دهند برخی در داخل کشور، معاملاتی با روسیه انجام می‌دهند که جهان گمان می‌کند ایران در جنگ اوکراین به روسیه کمک کرده است. به همین دلیل نیز نهاد‌های بین‌المللی ایران را به دخالت در جنگ اوکراین محکوم کرده‌اند. در این موضوع روسیه ما را فریب داده و بنا بر برخی ادعاها ما بپهاد خریدار است. بپهاد یک صنعت نظامی پیچیده نیست. اگر فرض بر درستی این ادعا باشد، سوال مهم در این زمینه این است که روسیه که بزرگ‌ترین تولیدکننده تسلیحات پیچیده نظامی است چگونه می‌تواند بپهاد تولید کند و مپجور است از ایران خریداری کند؟ آیا این اتفاق سوال برانگیز نیست؟ در واقع روسیه ما را وارد بازی کرده که به سود خود و به ضرر ما تمام خواهد شد. در چنین شرایطی

امیرعبداله‌هیان و نزدیکان فکری وی از جمله منتقدان جدی برجام بودند. با این وجود در دولت رئیسی تلاش شده برجام احیا شود، اما به‌رغم فرصت‌هایی که وجود داشت و می‌توانست به بر داشته شدن تحریم‌های ایران منجر شود در نهایت این اتفاق رخ نداد. آیا عدم احیای برجام به ضعف تیم مذاکره کننده بازمی‌گشت؟

دلیل اصلی به نتیجه نرسیدن مذاکرات فراتر از موضوع سیاست خارجی است. اگر بیامی از سوی آمریکا و یا هر کشور دیگری به ایران برسد به دست امیر عبداله‌هیان نمی‌رسد و بلکه قبل از وی افراد دیگری هستند که از آن آگاه می‌شوند و پیام به آمریکا یا کشورهای دیگر می‌فرستند. بزرگ‌ترین خدتی که آقای رئیسی می‌تواند به کشور و مردم کند این است که به صورت رسمی اعلام کند سیاست خارجی در اختیار او نیست. باید از آقای رئیسی سوال شود چرا وانمود می‌کند که همه کارها در اختیار اوست اما در نهایت خطا و اشتباه از آب در می‌آید؟ در موضوع برجام نیز ما تنها در دولت رئیسی با مشکل مواجه نشدیم، بلکه از همان ابتدا به دلیل رویکرد خاصی که وجود داشت، با مشکل مواجه بودیم. در زمان آقای روحانی و ظریف نیز نیروی اصلی هدایت‌کننده سیاست خارجی ایران در روند مذاکرات چالش ایجاد می‌کرد و مانع به وجود می‌آورد. این وضعیت در دولت آقای هاشمی و خاتمی نیز وجود داشت. با این وجود آقای هاشمی با دلیری خیلی که از خود نشان داد و سفرهای بی‌سابقه‌ای که در زمینه تبلیغ کرد برخی از موانع را تخریب کرد. این در حالی است که آقای خاتمی چنین دلیری‌هایی از خود نشان نداد.

تکلیف کاهش ساعت کاری کارکنان و تعطیلی پایان هفته چه شد؟

جلسات بعدی مجلس تعیین تکلیف خواهد شد. در گزارش کمیسیون اجتماعی که در مجلس در حال بررسی است، پیشنهاد شده که ساعات کاری ادارات از ۴۴ ساعت به ۴۰ ساعت کاهش پیدا کرده و روزهای جمعه و شنبه به عنوان تعطیلات آخر هفته تعیین شود؛ متن گزارش کمیسیون اجتماعی به شرح زیر است: «ماهه واحد- ماده (۸۷) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب (۱۳۸۶/۸/۷) با اصلاحات و الحاقات بعدی) و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۸۷- ساعات کار کارمندان دستگاه‌های اجرایی چهل ساعت در هفته است و ترتیب و تنظیم ساعات کار ادارات به پیشنهاد وزارت تعاون، اداری و استخدامی کشور و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد تغییر ساعت کار کارمندان را رعایت سقف مذکور و در چهارچوب دستورالعمل پیشنهادی سازمان اداری و استخدامی کشور که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد هر عهده ذی ربط می‌باشد. میزان ساعات تدریس معلمان و اعضای هیأت علمی از ساعات موظف در طرح‌های طبقه بندی مشاغل ذی ربط تعیین خواهد شد. تبصره- ۱ کارمندان می‌توانند با موافقت دستگاه اجرایی ساعات کار خود را تا یک چهارم ساعت کار روزانه (حداکثر

۱۰) ساعت در هفته تقلیل دهند میزان حقوق و مزایا نحوه محاسبه سوابق خدمت این قبیل کارمندان متناسب با ساعات کار آنان تعیین خواهد شد. تبصره- ۲ متناسب با تغییرات فناوری و در شرایط اضطرار و بحران نظیر آلودگی هوا کمبود انرژی، وقوع حوادث غیر متوقع شیوع بیماری‌های فراگیر از جمله از ایام خاص نظیر ماه مبارک رمضان ساعت کار و نحوه ارائه خدمت و تقویم آموزشی مدارس و مراکز آموزش عالی فارغ از رعایت سقف مذکور در این ماده توسط سازمان اداری و استخدامی کشور تهیه و تصویب هیات وزیران می‌رسد. تبصره- ۳ تمامی دستگاه‌های اجرائی اعم از ستادی و استانی به استثنای واحدهای نظامی انتظامی و امنیتی و بخش عملیاتی واحدهای خدمت‌رسانی از قبیل بیمارستانها مراکز بهداشتی درمانی مراکز بهداشتی بانک‌ها و اماکن ورزشی موظفند ساعات کار خود را در پنج روز هفته از روز یکشنبه تا پنجشنبه تنظیم نمایند فهرست کامل بخش عملیاتی واحدهای خدمات‌رسانی موضوع این تبصره ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط سازمان اداری و استخدامی کشور تهیه و تصویب هیات وزیران می‌رسد.

نمایندگان مجلس امروز وارد بررسی لایحه مربوط به کاهش ساعت کاری ادارات و افزایش تعطیلی آخر هفته شدند منتها امروز مجلس هیچ مصوبه‌ای در این باره نداشت. کلیات لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری درباره کاهش ساعات کاری ادارات و افزایش تعطیلات پایان هفته، سال گذشته به تصویب مجلس رسیده بود که امروز نمایندگان مجلس در جلسه علنی وارد بررسی جزئیات آن شدند. در بررسی جزئیات دو پیشنهاد مطرح شد؛ یکی بازگشت به اصل لایحه دولت و دیگری استمرار روند موضوع ساعات کاری ادارات یعنی ۴۴ ساعت در هفته و تصویب تعطیلی آخر هفته بر عهده دولت بود. دولت در لایحه خود پیشنهاد کرده بود که ساعت کاری در ۴۲ و نیم ساعت تغییر یابد و همچنین تعطیلات پایان هفته را ۲ روز تعیین کرده بود. امروز مشخصی در لایحه نامده بود. پیشنهاد اول را تقداری نماینده فرهنگی شهر و پیشنهاد دوم را حاجی دلگانی نماینده شاهین شهر مطرح کرد که با هر دو پیشنهاد مخالفت شد. بر این اساس مجلس هنوز مصوبه‌ای درباره کاهش ساعت کاری ادارات و افزایش تعطیلات پایان هفته نداشته است و این موضوع در

هراس ریاض از تهران!

پلن «بی» عربستان در بن بست

بخش عمده‌ای از طرح جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده برای خاورمیانه که بیشتر شبیه به مراسم درود مریم است تا یک طرح واقعی؛ ایده‌ای که در چارچوب واشنگتن برای عادی سازی روابط عربستان با اسرائیل خیز برداشته است. به ادعای ناظران، آمریکا برای تحقق این گزاره باید در کنار سایر موارد، تضمین‌های دفاعی رسمی را در قالب پیمان در اختیار ریاض قرار دهد. این در حالی است که اسرائیل، بنا به خواست عربستان، باید گام‌های غیرقابل برگشتی در مسیر کمک به شکل‌گیری کشور مستقل فلسطینی بردارد.

چرا پلن «بی» ریاض اجرائی شود؟

با وجود مخالفت اشکار نتانیاهاو با چنین پایانی برای بازی، بعیداست که اسرائیل به این زودی تن به معامله دهد؛ بالأخص در شرایطی که جنگ این رژیم با حماس پایان نیافته است؛ اسرائیل تهدید کرده که در رفح حمله می‌کند تا به ادعای خود حماس را کنار بزند؛ گزاره‌ای که صرفاً این جنگ را طولانی کرده، هرگونه امید برای آتش بس و تبادل گروگان را از میان برده و درد و رنج مردم فلسطین را بیشتر خواهد کرد. نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل، زمانی که صحبت از تشکیل کشور فلسطینی می‌شود، به ندرت فرصتی را برای مخالفت خوانی از دست می‌دهد. او مثل همیشه و به شکل منحصراً فردی بر تضمین بقای حیات سیاسی‌اش به واسطه قانع کردن مردم خشمگین اسرائیل با یک جنگ مداوم متمرکز است زیرا می‌داند که وقتی جنگ متوقف شود، آنها او را به دلیل حمله حماس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ مجازات خواهند کرد. این در حالی است که پیروزی اسرائیل در میدان نبرد به دلیل ماندن حماس در قدرت، چالش‌های نبرد شهری و فشار فراینده بین‌المللی بر اسرائیل برای پایان دادن به عملیات نظامی‌اش، پیش از پیش دست نیافتنی‌تر شده است. با این حال، به‌رغم اینکه اسرائیل بر سر یک توافق سه‌جانبه غیر افتاده، به نظر می‌رسد که ایالات متحده و عربستان سعودی به تنهایی در مسیر توافق پیشرفت چشم‌گیر داشته‌اند. اکنون صحبت از طرح «B» است که می‌تواند اسرائیل را کنار بگذارد و آنگونه که رسانه‌های گویند، در قبالش پیمان دفاعی ایالات متحده، کمک ایالات متحده در توسعه انرژی هسته‌ای غیر نظامی عربستان سعودی و همکاری سیستماتیک در زمینه‌های چون هوش مصنوعی و سایر فناوری‌های مهم تعریف شده است. طرح B در ظاهر امیدوارکننده است، اما با بررسی دقیق‌تر، غیر قابل اجرا است. از منظر دیگری، اینکه چرا واشنگتن و ریاض ممکن است بخواهند بدون اسرائیل پیش بروند کاملاً قابل درک است. به هر حال، اگر اسرائیل باره حل‌ودولتی موافقت نکند، گزینه دیگری روی میز است؛ با این حال، توافق دو جانبه میان ایالات متحده و عربستان، حداقل در نسخه‌ای که بدان اشاره شده، به سادگی کارساز نخواهد بود. دلایش ساده است؛ برای اینکه ریاض بتواند با واشنگتن پیمان دفاعی رسمی داشته باشد نیازمنداری مثبت کنگره است و قانونگذاران آمریکایی، به ویژه جمهوری خواهان، با چنین گزاره‌ای موافقت نمی‌کنند، مگر اینکه موضوع عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان روی میز باشد.

هراس ریاض از تهران!

درواقع، بزرگ‌ترین دلیل برای اجماع دو حزبی در باب توافق بزرگ با عربستان سعودی، در دست نا نادرست، این است که اسرائیل امتیاز نهایی، یعنی به رسمیت شناختن عربستان را دریافت کند. طبیعتاً این در مقایسه با گزاره‌هایی چون فاصله گرفتن ریاض از چین، همکاری در تولید انرژی و سرمایه‌گذاری مشترک در فناوری‌هایی برای ایالات متحده با اهمیت‌تر هست. حال، طرفداران توافق دو جانبه ممکن است پرسند: اگر بایدن از اختیارات اجرایی خود استفاده کند و بدون تصویب کنگره با عربستان سعودی توافق دفاعی منعقد کند، چه رخ می‌دهد؟ او مطمئناً می‌توانست، و به نظر می‌رسد ترتیب امنیتی که ایالات متحده در سپتامبر گذشته با بحرین امضا کرد به همین شکل اجرایی شد. ایالات متحده همچنین می‌تواند وضعیت متحد اصلی «برناتوا» را به یادشاهی پیشنهاد کند (عنوانی که بحرین هم‌اکنون از آن برخوردار است)، تعریف شدن عربستان در این قامت موجب می‌شود تا ارسال تسلیحات ایالات متحده به این بازیگر تسریع شود و همکاری‌ها در حوزه‌های دفاعی و امنیتی افزایش یابد. با این حال، این چیزی نیست که عربستان سعودی می‌خواهد یا حداقل آن چیزی نیست که گفته است می‌خواهد. ریاض بر یک پیمان دفاعی رسمی با ایالات متحده پافشاری کرده - به معنای معاهده‌ای مشابه آنچه واشنگتن با ژاپن، کره جنوبی به این بازیگر را تحکیم، رسمی و قانونی می‌کند. پادشاهی قطعا چیزی از طلبانه‌تر از آنچه بحرین به دست آورد، می‌خواند. عربستان همچنین خواهان آن هست که امتیازهایی که به دست می‌آورد، منگوب و در قانون مدون شود، زیرا به خوبی می‌داند که دولت جدید آمریکا، با حتی تغییر نگرش رئیس‌جمهور مستقر، می‌تواند به راحتی به این توافق پایان دهد. عربستان سعودی همچنین نگران موضع‌گیری ایران در برابر توافق امنیتی‌اش با آمریکا است. شاید توافق امنیتی عربستان و آمریکا زمینه‌ساز بازگشت تنش‌ها به روابط تهران و ریاض شود، پس پادشاهی باید امتیاز را دریافت کند که ارزش ریسک داشته باشد. به عبارت دیگر، عربستان سعودی به دنبال یک پیمان دفاعی با آمریکا است که از نظر دوستان و رقبای معتبر باشد. چنین اعتباری مستلزم تعهد سیاسی و قدرت نظامی است. عربستان سعودی نمی‌خواهد معامله‌ای دو سرباخت داشته باشد؛ یعنی روابط امنیتی‌اش با ایالات متحده اندکی بهتر شود در مقابل ایران را روبروی خود قرار دهد. هدف اصلی ریاض حراست از خود در برابر قدرت و نفوذ ایران است و به ادعای فارین پالیسی تنها راه برای دریافت خواسته‌ای، دریافت تضمین امنیتی از ایالات متحده هست.

موانع پیش روی توافق امنیتی عربستان و آمریکا

در باب ارائه تضمین‌های امنیتی آمریکا به پادشاهی، کنگره نقشی حیاتی دارد. به باور ناظران بعید است کنگره بدون تحقق فرایند عادی سازی روابط عربستان با اسرائیل، پیمان دفاعی رسمی با این پادشاهی را تأیید کند. بدون پیمان دفاعی نیز، عربستان سعودی بعید است خود را درگیر تنش با تهران کند. تا زمانی که نتانیاهاو و کابینه‌افراطی تحت‌بهری‌اش در قدرت هستند، نمی‌توان گفت که چگونه این توافق سه‌جانبه، حداقل به شکلی که تصور و تبلیغ شده، می‌تواند محقق شود. طنز ماجرا در این است که نتانیاهاو به واسطه فرایند عادی سازی روابط با عربستان سعودی می‌تواند به دستاورد استراتژیک دست یابد که بزرگ‌ترین اقتصاد خاورمیانه؛ گزاره‌ای است که مردم اسرائیل از آن استقبال خواهند کرد. اما نتانیاهاو ریاست کابینه اسرائیل را بر عهده دارد که دیدگاه‌هایش در مورد مسأله فلسطین بسیار تند است و چنین فرصت‌هایی را می‌سوزاند.